

ماجرا چیست؟

آیا قالیباف وعده ۲۵۰ هزار تومانی به بیکاران را می تواند عملی کند؟ بازگشت احمدی نژاد ایسم!

لیلا مهداد | چهار سال بعد از کنار رفتن محمود احمدی نژاد از قدرت، یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری همچون او سخن می گوید و همچون او رفتار می کند. محمد باقر قالیباف که رقیب دیرین احمدی نژاد بود و سه دوره است در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده است، برای آن که رای جمع کند وعدههایی می دهد که اغلب کارشناسان اقتصادی آن وعدهها را توخالی می خوانند و تأکید دارند این شعارها نشان دهنده صدای پای احمدی نژاد ایسم را به گوش ما می رساند.

اکنون شمارش معکوس برای انتخابات شروع شده تا پیروز فینال این کارزار سیاسی در نهایت معرفی شود و برای همین نامزدها برای پشت سر گذاشتن رقبا بازار وعده، وعدههای را حساسی داغ کرده اند، وعده وعدههایی که هر یک با رویایی می سازند یا ناامیدی را امید می بخشد و سعی دارند در نهایت برگ رای به نام نامزد مورد نظر نوشته و در سبد را جای گیرد و به تحقق آرزوی پاستورنشینی کمک کند. در بازار خوش آب و هوا، وعده وعدههایی گویی گفتن از اقتصاد و معیشت سابقه طولانی دارد و می توان با آن بازار گرمی کرد و اقتصاد سالهای اخیر نیز به رونق آن کمک کرده است؛ اقتصادی که در سالهای اخیر بیش از گنجایش خود از طرحها و برنامههایی شنیده است که بیش از واقعیت، شکل و شمایل تبلیغاتی داشته اند و با واقعیتها فاصله در آستانه دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هستیم و به رسم سالهای دور این بازار هزار رنگ رونق گرفته است و از گوشه کنار وعدههایی به گوش می رسند که باید کمی دراه آنها تأمل کرد؛ وعدههایی که با نگاهی گذرا به دانشتها و ظرفیتها تنها به علامت سوالی بزرگ منتهمی می شنوند؛ چگونگی؟ چگونه می توان تلاش بسیار پاسخی نیز برای خود دستاورد کرد، نمی تواند آسیبها و مضرات خود را از چشمها بپوشاند؛ مضراتی که جامعه اسسال طعم تلخ آن را چشید و آثار آن را به جان خرید؛ اسناسلی که با وعده ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی هر ماه برای ایرانی شروع شد و بعدها نام

طرح همدفندی پارانهها را برای خود برگزید و آنچه در اقتصاد به جا گذاشت افزایش سرسام آور قیمتها بود؛ نتیجهای که رد پای آن در نهایت به تزریق نقدینگی برای اجرای کردن طرح همدفندی پارانهها می رسید. در آن روزها قیمتها مسری صعودی را به خوبی آموخته بودند و کار به جایی رسیده بود که حذف پارانهها و برگشت قیمتها به گذشته خواسته عموم جامعه شده بود. اما حالا روزها و ماهها زیادی از آن روزها گذشته و نوبت به وعدهای از همان شکل و شمایل و جنس رسیده است؛ دولتی که ادعا می کند، می خواهد ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به هر بیکار بدهد؛ ادعایی که به نظر می رسد شنیدن از آمار بیکاران او را ترغیب کرده تا آرای این بخش را جمعیت را به خود جلب کند اما در این میان گویی بار مالی این ادعا و شرایط موجود نمی رسد به اعداد و ارقام مرکز آمار ایران؛ اعداد و ارقامی که می گویند از جمعیت ۷۸ میلیون و هشتصد هزار نفری ایران، ۲۲ میلیون نفر شاغل هستند. در واقع با در نظر گرفتن جمعیت ۲۷ درصدی شاغل باید گفت به ازای هر فرد شاغل بیش از دو نفر فاقد شغل وجود دارد؛ معنا و مفهوم این درصدها این است که تأمین هزینه ۲۵ نفر در ایران یک فرد شاغل و ۲۵ فرد بدون شغل بر عهده یک نفر است. در واقع در حال حاضر از جمعیت ۷۹ میلیون نفری ایران ۵۷ میلیون نفر هیچ فعالیت شغلی و اقتصادی ندارند. بخشی که با بیکاری یاد در جستجوی کار - با این تفسیر اگر قرار بر این باشد که ماهانه هر بیکار ۲۵۰ هزار تومان دریافت کند بی شک انگیزه بهره بردن از مواهب بیکاری سبب خواهد شد به جمعیت بیکار مطلق افزوده شود. حالا کافی است یک ضرب و تقسیم کوچک صورت بگیرد تا عدد ۱۵۰۰ میلیارد تومان بر صفحه ماشین حساب نقش ببندد و این در حالی است که اقتصاد ماهانه زیر فشار ۳۴۰۰ میلیارد تومان نقدینگی در قالب پارانه نقدی نفش به شماره افتاده است. در واقع با یک حساب سرانگشتی می توان به جرات گفت چنین ادعایی کار کارشناسی را پشت سر خود ندارد، اما



طرح نمودن پارانه

زمینه طرح این سوال را از مدعی چنین طرحی ایجاد می کند؛ اگر کشور توان پرداخت ۱۵۰۰ میلیارد تومان در حمایت از بیکاران دارد، چرا با این اعتبار به ایجاد شغل نمی اندیشد؟ گفته ها و شنیده ها حاکی از این هستند که به طور متوسط ایجاد شغل در ایران بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان هزینه نیاز دارد، بنابراین با وجود چنین اعتباری می توان ماهانه ۷۵۰۰ هزار شغل ایجاد کرد که طی یکسال به رقم ۳۰ هزار میلیارد می رسد پس صرف چنین اعتباری تنها در تعداد قابل کارانه، کاری جز نابودی ۹۰ هزار شغل طی یکسال نمی کند، البته باید در نظر داشت که این زیان جدال عوارض ناشی از تزریق نقدینگی به اقتصاد است که در دولت های نهم و دهم آن را تجربه کرده ایم، البته می توان این سوال را به گونه دیگر نیز مطرح کرد؛ آیا به اینکه می توان ماهانه ۱۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار چاره کارهایی کرد،

فکر شده است؟ به واقع اگر تأمین چنین اعتباری امکان پذیر است چرا کاری زیربنایی انجام ندهیم؟ اهل فن علم اقتصاد می گویند هزینه متوسط احداث هر کیلومتر راه آهن ۱۰ میلیارد تومان است با چنین اعتباری می توان ماهانه ۱۲۱۴ کیلومتر راه آهن تأسیس کرد تا هم کاری زیربنایی صورت گرفته باشد و هم برای گروهی اشتغالزایی، اخبار گویای این هستند که ۲۵۰ بیمارستان نیمه تمام چشم به راه ۳۰ هزار میلیارد تومان اعتبار هستند تا تکمیل شوند تا هم کاری زیرساختی صورت بگیرد هم عدهای شاغل شوند، ۱۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار معنای دیگری نیز دارد؛ ۱۵۰۰ هزار فقره تسهیلات ۱۰۰ هزار تومانی برای خرید ماشین آلات برای رونق چرخ صنعت و ایجاد اشتغال. پس اگر تأمین چنین اعتباری به واقع امکان پذیر است از کارانه بگوییم!

پیشینه

وعدههای دل خوش کنگ

انتخابات دیگری در راه است و بازار وعدهها داغ و در ایسن میان در کنار وعدههای مشابه دولت های پیشین، وعدههای جدیدی نیز رخ نمایی می کنند؛ وعدههایی که به قدمت تاریخ انتخابات عمر دارند و برخی جامه عمل به تن کرده اند و برخی در حدواندازه های یک وعده باقی مانده اند و از یاد رفته اند. با ورق زدن برگ های انتخابات؛ انتخابات دولت های نهم و دهم وعدههایی را به خود می بیند؛ وعدههایی که از آمدن پول نفت بر سر سفرهها می گفت و کاندیدایی که در نهایت نیز پیروز انتخابات شد، از انتشار اوراق مشارکت برای طرح های نفتی سر داد، البته نامزد آن روزها معیشت باز نشستگان را در وعدههای خود نشانه رفت و قرار بر این شد تا حقوق این قشر از جامعه ۴۰۰ هزار تومان افزایش بیابد. قسه پارانهها نیز از همان جا کلید خورد؛ قصه ای که شرط را مساعدت مجلس گذاشت تا هر ایرانی ماهانه ۷۰ تا ۷۵ هزار تومان پارانه بگیرد. گویی

تجربه دیگران

وعدههایی به رنگ خیال

از خاک آمریکا و کسب ۹۵ درصدی آرای سیاه پوستان برای انتخابات بعدی گفت. ماریس لوپن برای رسیدن به سمت ریاست جمهوری فرانسه از وعده لغو پیمان شنگن شروع کرد - قائلون حذف وعدههای انتخاباتی اش از کنترل گذرنامه برای ورود شهروندان کشورهای عضو - لوپن در راستای این وعده انتخاباتی گفت: خارجیانی را که دارای پرونده های قضائی هستند طی ۲ ماه از فرانسه اخراج خواهد کرد. یکی دیگر از وعده های مارین، اصلاح ساختار نهادهای فرانسه است؛ اصلاحاتی که اهدافی همچون «در اولویت بودن شهروندان فرانسوی»، «دفاع از هویت میراث فرهنگی و تاریخی ملت فرانسه» و «کاهش تعداد نمایندگان و اعضای پارلمان فرانسه» را محقق کند. البته ترامپ به شرط رسیدن به ریاست جمهوری فرانسه از وعده های دیگری نیز سخن به میان آورد؛ کاهش سن باز نشستگی، کاهش ۱۰ درصدی مالیات بر درآمد، لغو عضویت فرانسه در پیمان شنگن، بازنگری در نظارت بر مرزهای فرانسه، اخراج افراد خارجی که تدریس در آنها به ندرت و من به شما خواهیم گفت متاسفم ما باید به پیروزی های مان ادامه دهیم، چون قصد داریم آمریکا را دوباره به بزرگترین کشور جهان تبدیل کنیم.» البته رقیب دونالد نیز از وعده های انتخاباتی که همواره راهی برای پیروزی در انتخابات است، غافل نبود و از وعده های محور مسائلی اقتصادی و بهبود و ارتقای ۱۵ دلاری، مراقبت رایگان از کودکان و دانش آموزان می گفت و از عدم تکرار رسوایی های مخرب مالی سمری می داد. البته تمامی وعده های انتخاباتی خود را به این جا ختم نکرد و از تولید گفتن کریمسن، تریبک بیسکویت اوروس ساخت آمریکا، مک دونالد را به خورد چینی ها دادن، لغو کامل برنامه درمانی و بهداشتی اوپاما، ایجاد اشتغال، ساخت دیوار در نقاط مرزی میان آمریکا و مکزیک، اخراج ۱۱ میلیون مهاجر غیر قانونی



«من با تخيلات مردم بازی می کنم» ادعای ترامپ در کتاب پر فروشش «هنر معامله» است که نشان از افتخار نامزد جمهوریخواه آمریکا در انتخابات در تواتایی اش برای ترغیب و قانع کردن مردم دارد. دونالد در وعده های انتخاباتی اش از کنترل گذرنامه برای ورود شهروندان کشورهای عضو - لوپن در راستای این وعده انتخاباتی گفت: خارجیانی را که دارای پرونده های قضائی هستند طی ۲ ماه از فرانسه اخراج خواهد کرد. یکی دیگر از وعده های مارین، اصلاح ساختار نهادهای فرانسه است؛ اصلاحاتی که اهدافی همچون «در اولویت بودن شهروندان فرانسوی»، «دفاع از هویت میراث فرهنگی و تاریخی ملت فرانسه» و «کاهش تعداد نمایندگان و اعضای پارلمان فرانسه» را محقق کند. البته ترامپ به شرط رسیدن به ریاست جمهوری فرانسه از وعده های دیگری نیز سخن به میان آورد؛ کاهش سن باز نشستگی، کاهش ۱۰ درصدی مالیات بر درآمد، لغو عضویت فرانسه در پیمان شنگن، بازنگری در نظارت بر مرزهای فرانسه، اخراج افراد خارجی که تدریس در آنها به ندرت و من به شما خواهیم گفت متاسفم ما باید به پیروزی های مان ادامه دهیم، چون قصد داریم آمریکا را دوباره به بزرگترین کشور جهان تبدیل کنیم.» البته رقیب دونالد نیز از وعده های انتخاباتی که همواره راهی برای پیروزی در انتخابات است، غافل نبود و از وعده های محور مسائلی اقتصادی و بهبود و ارتقای ۱۵ دلاری، مراقبت رایگان از کودکان و دانش آموزان می گفت و از عدم تکرار رسوایی های مخرب مالی سمری می داد. البته تمامی وعده های انتخاباتی خود را به این جا ختم نکرد و از تولید گفتن کریمسن، تریبک بیسکویت اوروس ساخت آمریکا، مک دونالد را به خورد چینی ها دادن، لغو کامل برنامه درمانی و بهداشتی اوپاما، ایجاد اشتغال، ساخت دیوار در نقاط مرزی میان آمریکا و مکزیک، اخراج ۱۱ میلیون مهاجر غیر قانونی



«من به شما وعده می دهم که من تمام مشکلات را حل می کنم» ادعای کلینتون در کتاب «بازگشت به آینده» است که نشان از اعتماد او به توانایی های خود برای حل مشکلات است. کلینتون وعده هایی را به خود می بیند؛ وعده هایی که از آمدن پول نفت بر سر سفرهها می گفت و کاندیدایی که در نهایت نیز پیروز انتخابات شد، از انتشار اوراق مشارکت برای طرح های نفتی سر داد، البته نامزد آن روزها معیشت باز نشستگان را در وعده های خود نشانه رفت و قرار بر این شد تا حقوق این قشر از جامعه ۴۰۰ هزار تومان افزایش بیابد. قسه پارانهها نیز از همان جا کلید خورد؛ قصه ای که شرط را مساعدت مجلس گذاشت تا هر ایرانی ماهانه ۷۰ تا ۷۵ هزار تومان پارانه بگیرد. گویی

منابع دیگر

بیشتر بدانیم:

https://www.tasnimnews.com
 http://sharghdaily.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?Src=Main&News_Id=117593
 http://www.asriran.com
 http://www.aryanews.com/
 http://www.irankhabar.ir
 http://www.irna.ir/fa/News/82508069/
 http://faradeed.ir/fa/news/

نظر کارشناس

صرفه جویی مردم و تأمین اعتباری میلیاردی!

محسن ایزدخواه - اقتصاددان | دیرباز وعده های انتخاباتی جایگاه خود را در عرصه یافته اند و کاندیدها نیز به فراخور شرایط پای برخی وعدهها را به میان آورده اند، اگرچه برخی از این وعدهها از همان ابتدای امر احتمال محقق شدنشان بیشتر بوده است. در انتخابات اخیر نیز وعده های مطرح شده اند؛ وعده هایی که اقتصاد و معیشت را نشانه رفتند؛ دغدغه های سال های اخیر، اما آنچه در این میان اهمیت دارد این است که این وعدهها از چه شرایط فعلی توان و ظرفیت برخوردارند تا همین شرایط فعلی بتواند چنین وعده هایی را محقق کند. محسن ایزدخواه، اقتصاددان در این باره می گوید: شاید اگر دولت یازدهم از بار نا بجاها و پیامدهای ویرانگر پرداخت پارانه ها می گفت؛ از انشای مخربی که در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی برجنگاشته است، شاید امروز از وعده های کمتری با این جنس رویه رو بودیم؛ البته شاید برخی از نامزدها که از چنین وعده های اقتصادی سخن به میان می آورند، شرایط موجود را به خوبی نشناخته اند و هنوز نمی دانند که دولت های نهم و دهم چه تأثیرات مخربی در زمینه های مختلف برجای گذاشته اند. شاید بهتر باشد تصویری از وضع دولت ارایه شود تا وعده ها شکل و شمایل واقعی به خود بگیرند. ایزدخواه به صحبت های وزیر اقتصاد و دارایی اشاره می کند و ادامه می دهد: در حال حاضر دولت ۷۰۰ هزار میلیارد بدهکار است؛ بدهکاری به پیمانکاران صندوق بازنشستگی و - البته هزینه ای نیز در همین سطح پروژه های کلنگ خورده و نیمه تمام نیاز دارند. با این تفاسیر دولت به هیچ وجه به لحاظ بنیه مالی در وضعیتی نیست که بتواند بار چنین پرداختی را تحمل کند. این اقتصاددان پرداخت ۲۵۰ هزار تومان به بیکاران را کاری کارشناسی نشده می داند و می گوید: با در نظر گرفتن نرخ بیکاری که حدود هشتاد میلیون نفر می شود، چنین ادعایی عملی نمی شود. چنین نامزد تأمین اعتباری میلیاردی است که با توجه به شرایط فعلی وضع مخاطره انگیزی را به وجود خواهد آورد. ایزدخواه معتقد است وعده هایی از این دست نیازمند بررسی و تحقیق است و اگر چنین نباشد نوعی عوام فریبی است. البته برخی افراد ستاد شهردار تهران در مورد تأمین چنین ادعایی پاسخ داده اند؛ از محل صرفه جویی مردم. مردم در واقع گویندگان چنین وعده ای نیز متوجه شده اند که دولت نمی تواند چنین منابعی را تأمین کند و برای همین آن را متوجه مردم کرده است. در چنین وضعیتی اگر بعدها چنین سوالی مطرح شود که چرا چنین وعده ای عملی نشده است؛ به راحتی گفته می شود چون مردم صرفه جویی نکردند!

نظر موافق

عملیاتی می شود

عضو شورای شهر | شهردار تهران شیخ روحی وعده های انتخاباتی خود را پرداخت ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به افراد بیکار عنوان کرده است؛ طرحی که مدعی است می تواند مشکلات این قشر از جامعه را حل کند. محسن پیرهادی، عضو شورای شهر تهران که معتقد به عملیاتی شدن چنین وعده ای است می گوید: آنچه از آن به عنوان طرح «پرداخت ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به افراد بیکار» یاد می شود و آقای قالیباف به عنوان یکی از برنامه های دولت احتمالی خود آن را مطرح کرده اند، طرح جدیدی برای حمایت از بیکاران است و با بیمه بیکاری تفاوت دارد. طرح بیمه بیکاری در حال حاضر در کشور اجرا می شود و بر اساس آن افرادی که حداقل ماهی دو بار در ماه بیست و دو روز به صورت غیر ارادی از کار بیکار شوند، ماهانه ۸۰ درصد از دستمزد ماهانه خود را از زمانی مشخص دریافت خواهند کرد و اگر ۸۰ درصد دستمزد از حقوق پایه قانون کار کمتر باشد، همان حقوق پایه را می گیرند. بیمه بیکاری تقریباً در تمام کشورهای پیشرفته دنیا تحت پرداخت می شود و مرسوم است. اما طرح «۲۵۰ هزار تومان» یک ابتکار جدید است و به این ترتیب که در صورت پیروزی آقای قالیباف و تشکیل دولت توسط او، یک سامانه ملی کارانه راه اندازی می شود و همه افراد بالای ۱۸ سال که جویای کار هستند در این سامانه ثبت نام می کنند تا به تدریج به واحدهای تولیدی و بنگاه های اقتصادی معرفی شوند. کارفرمایان را

نظر مخالف

وعده توخالی

کنند. وعده هایی که در بهترین اقتصادهای دنیا نیز به همین راحتی عنوان نمی شوند و با نگاهی گذرا به منابع و شرایط موجود این سوال را از کاندیدای مورد نظر مطرح می کند که بر اساس چه فرمولی به این پرداختی ها و افزایش ها دست یافته است؟ این ظرفیتها در کجای اقتصاد وجود دارد که تا به امروز از آنها استفاده نشده است؟ به واقع این منابع قرار است از چه محلی تأمین شوند؟ این وعده ها نه در اقتصاد ایران بلکه با در نظر گرفتن اقتصاد بین المللی نیز عملی نمی شوند. در واقع وعده ای به دور از منطق و کار کارشناسی است. این که تنها با بیمه و بازپرداخت ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به بیکاران بگوییم کفایت نمی کند. آیا برای چنین وعده ای تعداد بیکاران مطلق و افرادی که به این بیکاری نزدیک هستند، در نظر گرفته شده است؟ آیا مبلغ پرداخت ماهانه آن حساب شده و قرار است از چه منبعی تأمین شود؟ در دولت های نهم و دهم بحث پارانه ها مطرح شده، هزینه ای که می توانست در زیرساخت های اصلی رفاه اجتماعی سرمایه گذاری شود و جویابگوی نیازهای استراتژیک و اساسی مردم باشد. پرداختی که گذر زمان نیز ثابت کرد دولت ها در پرداخت و تأمین آن با مشکل روبرو هستند. انصراری معتقد است همان گونه که بارها گفته اند نتوانستند گامی از مشکلات باز کنند، پرداختی ۲۵۰ هزار تومانی نیز